

تأثیر گزارش‌های مدیریت درباره کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی بر بهبود گزارشگری مالی

شعیب رستمی، ثمین کهنسال، زینب رستمی

موسسه آموزش عالی کوشیار رشت، موسسه آموزش عالی کوشیار رشت، موسسه آموزش عالی رجاء قزوین
مسئول مکاتبات: شعیب رستمی

چکیده

بندهای الف و ب بخش 404 قانون کنترل‌های داخلی¹ (SOX)، مدیران و همچنین حسابرسان مستقل را ملزم به ارائه گزارشی در مورد کفایت کنترل‌های داخلی شرکت در گزارشگری مالی نموده است. در سال 2004 میلادی، شرکت‌های بزرگ بخش عمومی ملزم به طبقه‌بندی گزارش مدیریت و استفاده از حسابرس مستقل در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی شدند. در سال 2007، شرکت‌های کوچکتر بخش عمومی نیز ملزم به طبقه‌بندی گزارش مدیریت در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی شدند، اما التزام به شهادت‌دهی حسابرس مستقل در مورد آن‌ها اجرا نشد. در این تحقیق سعی شده است تا تأثیر مشخص گزارش‌های مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی ارزیابی گردد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که گزارش‌های مدیریت در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی منجر به بهبود گزارشگری مالی شده است. همچنین یافته‌های تحقیق ثابت می‌کنند که الزامات گزارش مدیریت به خودی خود و بدون نیاز به هر نوع شهادت‌دهی دارای مزایایی در گزارشگری مالی خواهد بود.

کلمات کلیدی: گزارشگری مالی، قانون کنترل‌های داخلی، گزارش‌های مدیریت، گزارش حسابرس مستقل، اقلام تعهدی حسابداری

مقدمه

در نتیجه توالی رسوایی‌های مالی و حسابداری نظیر انرون و ورلدکام²، قانون کنترل‌های داخلی در سال 2002 به تصویب رسید. یکی از جنبه‌های گران قیمت و متوالی در قانون کنترل‌های داخلی، بخش 404 آن است که شرکت‌های بخش عمومی و حسابرسان آن‌ها را ملزم به اظهارنظر در مورد اثربخشی کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی نموده است. قانون‌گذاران اذعان کردند که مستندسازی و ارزیابی کنترل‌های داخلی می‌تواند منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی گردد (SEC, 2003). ایللیف³ (2010) شواهدی را در این باب ارائه نمود. طبق این شواهد ترکیبی از بخش 404 ارزیابی مدیریت و حسابرسان مستقل از کنترل‌های داخلی از طریق افشای سطح پایین‌تری از اقلام تعهدی اختیاری ثبت شده، منجر به بهبود کیفیت گزارشگری می‌شود.

از آن‌جا که از الزامات قانون سال 2004، طبقه‌بندی و بایگانی گزارش‌های مدیریت در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی (بند الف بخش 404) و همچنین اظهارنظر حسابرس مستقل بر روی کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی (بند ب بخش 404) بود، اما همچنان مسئولیت هریک از گزارش‌های مدیریت، گزارش حسابرس و یا ترکیبی از هر دو در مورد ارتباط بین بخش 404 و کیفیت گزارشگری مالی هرچه بهتر، واضح نیست.

اخیرا در دو تحقیق شواهدی در ارتباط با نیاز به ارائه گزارش مدیریت و حسابرس مستقل در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی ارائه شده است. کینی و شپاردسون⁴ (2011) افزایش با اهمیتی در افشای ضعف کنترل‌های داخلی برای شرکت‌های کوچکی که گزارش‌های اولیه مدیریت را طبق بند الف بخش 404 منتشر کرده‌اند، یافتند. نتایج تحقیق آن‌ها مشابهت زیادی با نتایج حاصل از گزارش حسابرسی کنترل‌های داخلی شرکت‌های کوچکی دارد که برای اولین بار اقدام به انجام حسابرسی داخلی نموده‌اند. آن‌ها نتیجه گرفتند که گزارش مدیران، به تنهایی می‌تواند جهت شناسایی ضعف کنترل‌های داخلی، کافی باشد.

بدارد و گراهام⁵ (2011) بر خلاف نظریه کینی و شپاردسون دریافتند که سه چهارم نقصان موجود در کنترل‌های داخلی توسط حسابرسان کشف می‌شود. در نتیجه آن‌ها بر اهمیت کشف نقصان کنترل‌ها از طریق حسابرسی کنترل‌های داخلی تأکید کردند. اگرچه هیچ‌کدام از دو تحقیق فوق تأثیر مستقیم الزامات گزارش مدیران (بدون شهادت‌دهی) را بر کیفیت گزارشگری مالی نسنجیده‌اند.

ما در این تحقیق مستقلا تأثیر الزامات گزارش مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی را بررسی می‌کنیم. در سال 2004، شرکت‌های بزرگ و حسابرسان آن‌ها اقدام به گزارش اثربخشی کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی تحت بندهای الف و ب بخش 404 قانون کنترل‌های داخلی نمودند.

شرکت‌های کوچکتر نیز در آغاز، ملزم به طبقه‌بندی گزارش مدیران در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی تحت بند الف بخش 404 شدند؛ اما الزامات شهادت‌دهی تحت بند ب بخش 404 در مورد آن‌ها اجرا نشد.

ما با توجه به مطالعاتی که انجام داده‌ایم، تغییرات اندازه کیفیت گزارشگری را در بین این دو گروه برای ارزیابی تاثیر الزامات گزارش مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی مقایسه نموده‌ایم. با تفکیک اثر گزارش مدیران (بخش حسابرسی کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی) بر کیفیت گزارشگری به این نتیجه دست یافتیم که حسابرسی مستقل در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی در شرکت‌های کوچکتر از اهمیت بسزایی برخوردار است. حسابرسی مستقل در مورد یاد شده، محصولی بحث‌انگیز و در عین حال گران‌قیمت از قانون کنترل‌های داخلی است. اندازه‌گیری جنبه کم هزینه قانون‌گذاری (به طور مثال الزام گزارش مدیران) بر بهبود گزارشگری مالی، خود، نیازمند تلاش و صرف وقت می‌باشد. این تحقیق به طور خاص در مورد قانون معافیت‌های اخیر تصویب شده در اجرای بخش 404 قانون کنترل‌های داخلی موضوعیت دارد.

ما دریافتیم که گزارش‌های مدیران در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی، کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. مطالعات ما نشان می‌دهد که الزامات گزارش مدیران به خودی خود دارای مزایای گزارشگری می‌باشد.

یافته‌های تحقیق ما با نتایج تحقیق کینی و شپاردسون در مورد تاثیر مستقل گزارش مدیران (در امتداد صورت‌های مالی حسابرسی شده) بر ایجاد اطمینان نسبت به افزایش کیفیت گزارشگری در شرکت‌های کوچک سازگار است. یافته‌های تحقیق ما از آن جهت اهمیت دارد که بر بی‌تناسبی و سنگین بودن هزینه‌های اساسی مرتبط با حسابرسی کنترهای داخلی در شرکت‌های کوچک تاکید نموده است. ادامه تحقیق به شکل زیر طبقه‌بندی شده است:

ابتدا خلاصه‌ای از تحقیقات گذشته در مورد قانون کنترل‌های داخلی و کیفیت گزارشگری مالی ارائه شده است. سپس بحث‌های رایج در رابطه با بند الف بخش 404 علی‌الخصوص در مورد شرکت‌های کوچکتر برای واضح‌تر کردن پرسش اصلی تحقیق فراهم آمده است. نهایتاً نیز خلاصه و نتیجه‌گیری از یافته‌های خود را ارائه نمودیم.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

قصد و نیت قانون کنترل‌های داخلی، بهبود کیفیت گزارشگری مالی بوده است. شواهد تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که وضع قانون در جهت افزایش کیفیت گزارشگری مالی با موفقیت‌هایی روبرو بوده است. شواهد نشان می‌دهد که مدیران مالی و شرکت‌های حسابرسی، کاهش مدیریت سود را تحت قانون کنترل‌های داخلی مشاهده نموده‌اند (مک انرو⁶، 2007). تحقیقات پژوهشگران دیگری نظیر (کوهن، دی و لیس⁷، 2008؛ لیو و ژو⁸، 2006؛ ژو⁹، 2008) نیز یافته‌های بالا را تصدیق می‌نمایند. به طور مثال لیو و ژو (2006) به وجود ارتباط منفی بین بخش 302 و اقلام تعهدی اختیاری در دوره مورد تحقیق خود در بین سال‌های 2000 تا 2003 پی بردند.

ایلین (2010) به طور خاص تاثیر بخش 404 (تاثیر ترکیب گزارش‌های مدیران و حسابرسان در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی) را بوسیله مقایسه شرکت‌های دارای ارزش بازار سهام مشابه که تابع بند الف بخش 404 (شرکت‌های بزرگ) بوده‌اند و شرکت‌هایی که از قانون یاد شده تبعیت نمی‌کردند (شرکت‌های کوچک) در بازه زمانی نمونه گرفته شده ارزیابی کردند. یافته‌های تحقیق ایلین، رابطه منفی بین اجرای کامل بخش 404 و اقلام تعهدی اختیاری ثبت شده را نشان می‌دهد.

کیشنان و یو¹⁰ (2012) تاثیر مستقل الزامات گزارش حسابرسی کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی را بوسیله مقایسه شرکت‌های کوچک با شرکت‌های بزرگ تابع بخش 404 بر الزامات گزارش مدیران در سال 2007 بررسی نمودند. آن‌ها دریافتند که سطح درآمدهای غیرعادی برای شرکت‌هایی که تابع الزامات حسابرسی قرار داشتند، کمتر بوده است. آن‌ها در نتیجه‌گیری خود بیان نمودند که بند ب بخش 404 با افزایش کیفیت درآمد، شرکت‌های بزرگتر را به منفعت می‌رساند.

هزینه‌های بخش 404 علی‌الخصوص قسمت (ب) برای شرکت‌های کوچکتر، همواره محل مناقشه بوده است. بحث درباره اجرای بخش 404 در شرکت‌های کوچکتر، حول بی‌تناسبی و سنگین بودن هزینه‌های مرتبط با آن بوده است (نوندراف، سینگر و یو¹¹، 2012).

در تحقیقات دیگری (موهان و چن¹²، 2007؛ انگل، هایس و وانگ¹³، 2007؛ لوز، تریانتیس و وانگ¹⁴، 2008) نشان داده شده است که شرکت‌ها در اجتناب از هزینه‌های اجرای قانون کنترل‌های داخلی، رویکرد فرصت‌طلبانه دارند.

نوندراف و همکاران (2012) دریافتند شرکت‌هایی که در آستانه اجرای بخش 404 بوده‌اند، به تدریج ارزش بازار خود را در طی اندازه‌گیری‌های نهایی برای اجتناب از اجرای بخش 404 کاهش دادند. تحقیقات اندکی بر مزایای اجرای بخش 404 در شرکت‌های کوچکتر تمرکز داشته‌اند.

نوندراف و همکاران (2012) یکی از مزایای تدوین قانون کنترل‌های داخلی را در افزایش همکاری و ارتباط کمیته حسابرسی و مسئولان شرکت در مسائل حسابداری می‌دانند. اگرچه هزینه اجرای بخش 404 علی‌الخصوص قسمت (ب) می‌تواند به طور نامناسبی برای شرکت‌های کوچکتر، بدلیل کمبود ساختارهای کنترلی در گزارشگری‌شان سنگین باشد؛ اما همین شرکت‌های کوچک به‌مراتب مشکلات بیشتری در کنترل داخلی‌شان نسبت به

شرکت‌های بزرگتر داشته‌اند (برایان و لیلین¹⁵، 2005؛ ژی و مکوی¹⁶، 2005؛ نوندرف و همکاران، 2012). این پژوهشگران عقیده دارند که سهامداران شرکت‌های کوچکتر می‌توانند از اجرای بند ب بخش 404 منفعت بیشتری نسبت به سهامداران شرکت‌های بزرگتر کسب نمایند. کینی و شپاردسون (2011) شواهدی درباره مزایا و هزینه‌های حسابرسی بند ب بخش 404 قانون با استفاده از آزمون تغییرات در نرخ‌های افشای ضعف کنترل‌های داخلی (که آنها از آن به عنوان مزایای بخش 404 یاد کرده‌اند) و هزینه‌های صورت‌حساب‌های حسابرسی برای شرکت‌هایی که ابتدا با توجه به بند ب بخش 404 قانون، حسابرسی شده‌اند و گزارش‌های مدیرانشان طبق بند الف بخش 404 منتشر شده است، ارائه نمودند. آن‌ها افزایش با اهمیتی در نرخ‌های افشای ضعف کنترل‌های داخلی، هم برای شرکت‌های کوچکی که ابتدا تحت بند ب بخش 404 حسابرسی شده‌اند و هم برای شرکت‌های کوچکی که تحت بند الف بخش 404 ملزم به ارائه گزارش‌های مدیران شده‌اند، یافتند.

اگرچه آن‌ها دریافته‌اند که بند ب بخش 404، شرکت‌ها را از اینگونه هزینه‌ها معاف نموده، اما هزینه‌های صورت‌حساب‌های حسابرسی، تنها به طور سالانه ده درصد گران‌تر شده‌اند؛ این درحالی است که هزینه‌های صورت‌حساب‌های حسابرسی (که آن‌ها از آن به عنوان هزینه‌های بخش 404 یاد کرده‌اند) بیش از دو برابر هزینه‌های حسابرسی اولیه در بخش 404 بوده است.

زمانی که ارائه گزارش‌های مدیران در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی به شکل قانون در آید، به دلیل افزایش تمرکز بر کنترل‌های داخلی می‌تواند منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی گردد. بر اساس بند الف بخش 404، مدیران ارشد شرکت‌ها باید کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی را در قالب گزارش‌های مدیران خود طبق الزامات گزارشگری بخش 302 قانون، ارزیابی کنند. این مورد می‌تواند موجب افزایش تعهدات قانونی آن‌ها برای اطمینان‌بخشی نسبت به اثربخشی کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی و همچنین توجه هرچه بیشتر به مقولات مرتبط با کنترل‌های داخلی گردد. "بهبود هرچه بیشتر کنترل‌های داخلی در نهایت منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی از طریق افزایش کیفیت اقلام تعهدی حسابداری خواهد شد".

برای تشریح هرچه بیشتر موضوع، سیاست‌های کنترل داخلی طبقه‌بندی شده شرکتی که استفاده از حساب‌های مشکوک را مجاز دانسته است باید طبق بند الف بخش 404، مورد برآورد، بازنگری و ثبت واقع شود. مدیران باید اثربخشی این کنترل‌ها را در گزارش مدیریت خود ارزیابی کنند. این ارزیابی، کارایی عملیاتی این کنترل‌ها را نشان داده و یا نیاز به بازنگری در کنترل‌های غیر اثربخش را مشخص می‌کند. کنترل‌های داخلی اثربخش می‌تواند صحت برآوردها را بر اساس تاریخچه عملیاتی و سیاست‌های شرکت تضمین نماید. این برآوردهای صحیح در صورت ثبت دقیق می‌تواند به کیفیت بالای اقلام تعهدی ختم شود. در نبود این کنترل‌ها مدیریت می‌تواند با دستکاری بیشتر در حساب‌ها و تاثیر بر عملکرد مالی شرکت در یک دوره، سطح کیفیت اقلام تعهدی را پایین آورد. الزامات گزارشگری مدیران در نهایت به شناسایی ضعف‌های بیشتری در کنترل‌های داخلی و به تبع اصلاح آن‌ها منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

کینی و شپاردسون (2011) دریافته‌اند که احتمال افشای ضعف کنترل‌های داخلی در شرکت‌هایی که فقط گزارش مدیریت درباره آن‌ها منتشر می‌شود (گزارش حسابرسی در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی ندارند) 13/6 درصد بیشتر از شرکت‌هایی است که تحت بخش 404 قانون قرار ندارند. همانطور که بیان شد شناسایی کنترل‌های داخلی در شرکت و در ادامه بازنگری و اصلاح آن‌ها می‌تواند باعث بهبود کیفیت گزارشگری مالی گردد.

محققان یاد شده بیان کردند که گزارش مدیریت تحت بند الف بخش 404 به همراه گزارش حسابرسی مستقل (منظور گزارش حسابرسی مستقل درباره کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی نیست) می‌تواند برای شناسایی ضعف‌های کنترل‌های داخلی کفایت کند، اما همچنان برای درک این موضوع که آیا گزارش مدیریت به تنهایی می‌تواند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی گردد، کافی نیست.

از سوی دیگر، گزارش مدیریت در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی در شرکت‌هایی که با نبود نهادی برون‌سازمانی برای ارزیابی کنترل‌های داخلی خود مواجه هستند، ممکن است با توجه به این‌که در چنین موردی احتمالاً شرکت‌ها زمان، هزینه و منابع کافی برای ایجاد یک نظام کنترل داخلی اثر بخش صرف نکنند به بهبود گزارشگری مالی ختم نشود.

شرکت‌های کوچکتر در مقایسه با شرکت‌های بزرگتر، کیفیت گزارشگری و همچنین ساختار کنترل داخلی ضعیف‌تری دارند (ژی و مکوی، 2005). از طرفی برای این شرکت‌ها، هزینه‌های اساسی اطمینان‌بخش نسبت به اثربخشی کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی در مقایسه با مزایای این-گونه شرکت‌ها در قبال کاهش ریسک ارائه غلط صورت‌های مالی و یا دعاوی حقوقی از اهمیت بیشتری برخوردار است. از طرفی کنترل‌های قوی‌تر ممکن است انعطاف‌پذیری گزارشگری مدیران را محدود نماید. در این حالت ممکن است مدیران به سادگی در گزارش مدیریتی خود، کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی را اثربخش ارزیابی نمایند، بدون آن‌که الزامات اولیه‌ای را در ارزیابی‌های خود لحاظ کرده باشند.

بدارد و گراهام (2011) دریافته‌اند که حسابرسان حدود سه چهارم نقصان موجود در کنترل‌های داخلی را از طریق آزمون کنترل‌ها شناسایی می‌کنند. آن‌ها پیشنهاد نموده‌اند که از یافته‌های حسابرسان به عنوان شواهدی در ارتباط با آزمون‌های کنترل موجود در بند ب بخش 404 استفاده شود. ضمناً از همین منظر می‌توان نشان داد که معافیت شرکت‌های کوچک از گزارش‌های حسابرسی نمی‌تواند منجر به بهبود گزارشگری مالی در این‌گونه از

شرکت‌ها شود. بدون گزارش حسابرس مستقل در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی، نقصان کنترل‌های داخلی همچنان شناسایی نشده و کیفیت گزارشگری مالی در سطح ضعیفی باقی می‌ماند.

اهداف تحقیق

تا کنون هیچ تحقیق مشخص دیگری بدین شکل تاثیر گزارش‌های مدیریتی در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی را بر کیفیت گزارشگری مالی نسنجیده است؛ بنابراین با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پیشینه تحقیق، هدف اصلی این تحقیق شناسایی برخی عوامل تاثیر گذار بر کیفیت گزارشگری مالی و در نهایت دستیابی به سطح مناسبی از کیفیت گزارشگری مالی است.

پرسش تحقیق

مفاهیم مطرح شده در مبانی نظری تحقیق، سوال اصلی تحقیق حاضر را بیش از پیش با اهمیت نموده است که :
آیا گزارش‌های مدیران درباره کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی اثرگذار است؟

رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و معیارهای کیفیت اقلام تعهدی حسابداری

طبق مطالعات ما، با استفاده از سه معیار به صورت جایگزین شامل اقلام تعهدی اختیاری، اقلام تعهدی جاری و اقلام تعهدی سرمایه در گردش غیر-عادی می‌توان کیفیت گزارشگری مالی را سنجید. تحقیق‌های پیشین بیان می‌کنند که برخی از شرکت‌ها با توجه به موقعیت زمانی و انگیزه‌هایشان ممکن است نسبت به دستکاری اقلام تعهدی در جهت مدیریت سود (چه افزایش در سود و چه کاهش در آن) اقدام نمایند. به همین علت برخی از مطالعات از ارزش قطعی معیارهای کیفیت اقلام تعهدی به جای معیارهای جایگزین ثبت شده، استفاده نموده‌اند (کاری و سیمنت¹⁷، 2006؛ کوهن و همکاران، 2008؛ فرانسیس و یو¹⁸، 2009). بدین ترتیب ما نیز برای تحقیق خود درباره کیفیت گزارشگری مالی از مفاهیم معیارهای کیفیت اقلام تعهدی استفاده می‌نمائیم.

هر سه معیار استفاده شده در تحقیق حاضر، قبلاً به عنوان معیاری جهت اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی در تحقیقات قبلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ما برای پاسخ به پرسش تحقیق، مطالعاتی را در مورد قانون کنترل‌های داخلی انجام داده و در نتیجه تغییرات هر کدام از معیارهای یاد شده اقلام تعهدی در تعدادی از شرکت‌هایی که الزامات گزارش مدیران را اجرا نموده‌اند، بررسی کردیم. مطالعات تحقیق بر پایه مقایسه تغییرات در کیفیت اقلام تعهدی برای شرکت‌هایی که بند الف قانون را اجرا نموده‌اند و شرکت‌هایی که هر دو بند بخش 404 را مورد اجرا قرار داده‌اند، قرار گرفته است. اطلاعات لازم برای پاسخ به پرسش تحقیق نیز با توجه به اطلاعات موجود در گزارشات مدیریت و همچنین گزارش حسابرس در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی مطالعه شده است.

نتایج تحقیق

ما بررسی‌های اولیه‌ای از تاثیر الزامات گزارش‌های مدیریت درباره کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی بر بهبود کیفیت اقلام تعهدی در چند دوره مختلف انجام دادیم. در ادامه به مقایسه تغییرات اقلام تعهدی شرکت‌هایی که طبق الزامات بند الف بخش 404 صرفاً نسبت به ارائه گزارش‌های مدیریت اقدام نموده‌اند با شرکت‌هایی که به عنوان گروه کنترلی اقدام به انتشار گزارش‌های مدیریت و گزارش‌های حسابرسی نموده‌اند، پرداخته‌ایم. نتایج حاصل نشان می‌دهند که الزامات گزارش‌های مدیران بر بهبود کیفیت اقلام تعهدی ختم شده است. تغییرات در سه معیار استفاده شده در تحقیق، همگی به طور معنی‌داری در شرکت‌هایی که اقدام به گزارش مدیریت نموده‌اند نسبت به شرکت‌های گروه کنترلی، کمتر بوده است. طبق بررسی‌های صورت گرفته، تغییرات اقلام تعهدی سرمایه در گردش غیر عادی در تمامی دوره‌ها به شکل معنی‌داری در شرکت‌هایی که اقدام به گزارش مدیریت نموده‌اند، کمتر بوده و تغییرات اقلام تعهدی جاری و اقلام تعهدی اختیاری در بعضی از دوره‌ها در شرکت‌هایی که اقدام به گزارش مدیریت نموده‌اند کمتر و در بعضی دوره‌ها بین شرکت‌هایی که اقدام به گزارش مدیریت نموده‌اند و گروه شرکت‌های کنترلی، مشابه بود. همچنین ما برای درک هر چه بیشتر موضوع، مطالعات دیگری برای مقایسه اقلام تعهدی بین شرکت‌هایی که گزارش مدیریت در آن‌ها ارائه شده با شرکت‌هایی که هیچ گزارشی درباره کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی منتشر نموده‌اند نیز انجام دادیم. به طور کلی یافته‌های ما نشان می‌دهند که سطح پایین‌تر اقلام تعهدی اختیاری، اقلام تعهدی جاری و اقلام تعهدی سرمایه در گردش غیر عادی نشان دهنده‌ی کیفیت بالاتر گزارشگری مالی هستند. سطح بالای هر یک از مولفه‌های یاد شده ممکن است به دلیل خطاهای حسابداری و یا بروز انواع بی-نظمی در حسابداری رخ داده باشد.

مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی حسابداری، مدیران را درگیر استفاده از قضاوت‌های حرفه‌ای‌شان در برآورد تراز حساب‌ها، جهت دستکاری نتایج مالی شرکت نموده است. اینگونه مدیریت سود در موارد بسیاری برای جلوگیری از زیان‌ها و دستیابی به پیش‌بینی تحلیل‌گران استفاده شده است. این شکل از فعالیت مدیران ممکن است به سطح بالاتری از اقلام تعهدی اختیاری منجر شود.

خلاصه تحقیق و نتیجه‌گیری نهایی

هدف اصلی قانون کنترل‌های داخلی (SOX) بهبود کیفیت گزارشگری مالی بود (SEC, 2003). بخش 404 یکی از جنبه‌های مهم قانون مزبور است. این بخش شرکت‌های بخش عمومی و حساب‌رسان آن‌ها را ملزم به اظهارنظر درباره اثربخشی کنترل‌های داخلی نموده است (البته برای شرکت‌های بزرگتر). تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که جنبه‌های دیگری از قانون کنترل‌های داخلی به بهبود کیفیت گزارشگری مالی ختم شده و این نشان‌دهنده آن است که قانون کنترل‌های داخلی در دستیابی به اهداف اولیه خود موفق بوده است. اگرچه تحقیقات گذشته اثر مستقیم بند الف بخش 404 درباره گزارش‌های مدیریت را بر کیفیت گزارشگری مالی به دلیل ارائه گزارشات شهادت‌دهی مدیریت و حساب‌رس، در شرکت‌ها نسنجیده‌اند. از طرفی حساب‌رسی کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی یکی از جنبه‌های بحث‌انگیز و در عین حال پر هزینه از قانون کنترل‌های داخلی است؛ اما توجه به این نکته اهمیت دارد که اجرای بخش‌های پر هزینه‌تر قانون، نظیر الزامات مربوط به تشکیل کمیته حساب‌رسی و همچنین رعایت قوانین و مقررات به خودی خود می‌تواند باعث بهبود گزارشگری مالی گردد.

کینی و شپاردسون (2011) بیان کردند که گزارش مدیریت در مورد کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی به تنهایی می‌تواند جهت بهبود گزارشگری مالی مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا بر اساس یافته‌های آن‌ها، شرکت‌های کوچکتر در گزارشات مدیریت خود، سطح بالاتری از ضعف کنترل‌های داخلی را افشا نموده بودند. از سوی دیگر بدارد و گراهام (2011) به نقش گزارش حساب‌رس مستقل در شناسایی بخش زیادی از ضعف‌های موجود در نظام کنترل‌های داخلی شرکت اشاره نموده‌اند.

ما در این تحقیق علاوه بر پشتیبانی از نتایج تحقیقات گذشته به بررسی تاثیر مستقیم گزارش مدیران بر بهبود گزارشگری مالی طبق بند الف بخش 404 پرداخته‌ایم. بر اساس مطالعات صورت گرفته، ما به این نتیجه رسیده‌ایم که گزارش‌های مدیران در مورد کنترل‌های داخلی بدون احتیاج به هرگونه شهادت‌دهی در نهایت منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. یافته‌های تحقیق حاضر با یافته‌های تحقیق کینی و شپاردسون ارتباط بیشتری دارد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که گزارش‌های مدیریت به همراه صورت‌های مالی حساب‌رسی شده می‌توانند کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های کوچک را تضمین نمایند.

نتایج مطالعات ما از معاف نمودن شرکت‌های کوچک از حساب‌رسی مستقل کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی تحت بند ب بخش 404 حمایت می‌کند؛ اما همچنان تحقیقات آتی برای بررسی مزایا و همچنین هزینه‌های بندهای الف و ب بخش 404 قانون کنترل‌های داخلی مورد نیاز است.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Sarbanes – Oxley Act (SOX)
- 2- Enron & Worldcom
- 3- Iliev
- 4- Kinney & Shepardson
- 5- Bedard & Graham
- 6- McEnroe
- 7- Cohen, Dey & Lys
- 8- Lobo & Zhou
- 9- Zhou

- 10- Krishnan & Yu
- 11- Nondorf, Singer & You
- 12- Mohan & chen
- 13- Engel, Hayes & Wang
- 14- Leuz, Triantis & Wang
- 15- Bryan & Lilien
- 16- Ge & McVay
- 17- Carey & Simnett
- 18- Francis & Yu

منابع مورد استفاده

- حسینی، ج و کرمشاهی، ب. 1391؛ بهبود گزارشگری مالی و حساب‌رسی. فصلنامه پژوهش حسابداری. (3) 2، 1-21.
- طالب نیا، ق و احمدزاده، ع. 1391؛ شناسایی مفاد بندهای حاصل از عدم توافق گزارش‌های حساب‌رسی و اثر آن بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی (از دیدگاه مدیریت). پژوهش‌های حسابداری مالی و حساب‌رسی. (16) 4، 69-93.
- ولی پور، ه، مرادی، ج و احمدی، ج. 1391؛ مطالعه مقایسه‌ای دیدگاه مدیران و حساب‌رسان در ارتباط با تاثیر گزارشگری کنترل‌های داخلی بر بهبود گزارشگری مالی. دانش حسابداری و حساب‌رسی مدیریت. (3) 1، 1-16.

- Altamuro, J., & Beatty, A. (2010). How does internal control regulation affect financial reporting? *Journal of Accounting and Economics*, 49(1-2), 58-74.
- Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D., Kinney, W., & Lafond, R. (2008). The effect of SOX internal control deficiencies and their remediation accrual quality. *The Accounting Review*, 83(1), 217-250.
- Bedard, J. C., & Graham, L. (2011). Detection and severity classifications of Sarbanes-Oxley Section 404 internal control deficiencies. *The Accounting Review*, 86(3), 825-855.
- Bryan, S. H., & Lilien, S. B. (2005). Characteristics of firms with material weaknesses in internal control: An assessment of Section 404 of Sarbanes-Oxley. Working paper, Wake Forest University.
- Carey, P. R., & Simnett, R. (2006). Audit partner tenure and audit quality. *The Accounting Review*, 81(3), 653-676.
- Cohen, D., Dey, A., & Lys, T. (2008). Real and accrual based earnings management in the pre- and post-Sarbanes-Oxley periods. *The Accounting Review*, 83(3), 757-787.
- DeFond, M., & Park, C. (2001). The reversal of abnormal accruals and the market valuation of earnings surprises. *The Accounting Review*, 76(3), 375-404.
- Doyle, J. T., Ge, W., & McVay, S. (2007). Accruals quality and internal control over financial reporting. *The Accounting Review*, 82(5), 1141-1170.
- Engel, E., Hayes, R. M., & Wang, X. (2007). The Sarbanes-Oxley Act and firms' going-private decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 44(1-2), 116-145.
- Francis, J., & Yu, D. (2009). The effect of Big Four office size on audit quality. *The Accounting Review*, 84(5), 1521-1552.
- Ge, W., & McVay, S. E. (2005). The disclosure of material weaknesses in internal control after the Sarbanes-Oxley Act. *Accounting Horizons*, 19(3), 137-158.
- Iliev, P. (2010). The effect of SOX Section 404: Costs, earnings quality, and stock prices. *The Journal of Finance*, 65(3), 1163-1196.
- Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193-228.
- Kinney, W. R., & Shepardson, M. L. (2011). Do control effectiveness disclosures require SOX 404(b) internal control audits? A natural experiment with small U.S. public companies. *Journal of Accounting Research*, 49(2), 413-448.
- Kothari, S. P., Leone, A., & Wasley, C. (2005). Performance matched discretionary accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 163-197.
- Krishnan, G. V., & Yu, W. (2012). Do small firms benefit from auditor attestation of internal control effectiveness? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34(1), 115-137.
- Leuz, C., Triantis, A., & Wang, T. (2008). Why do firms go dark? Causes and economic consequences of voluntary SEC deregistrations. *Journal of Accounting and Economics*, 45(2-3), 181-208.
- Lobo, G. J., & Zhou, J. (2006). Did conservatism in financial reporting increase after the Sarbanes-Oxley Act? Initial evidence. *Accounting Horizons*, 20(1), 57-73.
- McEnroe, J. E. (2007). Perceptions of the effect of Sarbanes-Oxley on earnings management practices. *Research in Accounting Regulation*, 19, 137-157.
- Mohan, N. J., & Chen, C. R. (2007). The impact of the Sarbanes-Oxley Act on firms going private. *Research in Accounting Regulation*, 19, 119-134.
- Myers, J., Myers, L., & Omer, T. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings. *The Accounting Review*, 78(3), 779-799.
- Nondorf, M. E., Singer, Z., & You, H. (2012). A study of firms surrounding the threshold of Sarbanes-Oxley Section 404 compliance. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 28(1), 96-110.
- Securities and Exchange Commission (SEC). (2003). Release No. 33-8238, Management's Reports on Internal control over financial Reporting and Certification of Disclosure in Exchange Act Periodic Reports. [<http://www.sec.gov/rules/final/33-8238.htm>].

اولین همایش ملی دستاوردهای نوین در علوم مدیریت و حسابداری

National Conference on Advances in Management and Accounting

. . . W W W . A M A C O N F . I R . . .

Securities and Exchange Commission (SEC). (2010). Release Nos. 33-9142; 34-62914, Internal control over Financial Reporting in Exchange Act Periodic Reports of Non-Accelerated Filers. [<http://www.sec.gov/rules/final/2010/33-9142.pdf>].

Stubben, S. (2010). Discretionary revenues as a measure of earnings management. *The Accounting Review*, 85(2), 695–717.

Zhou, J. (2008). Financial reporting after the Sarbanes–Oxley Act: Conservative or less earnings management? *Research in Accounting Regulation*, 20, 187–192.

Archive of SID